

سقوط مرگبار از روی پل طبیعت

پسر جوانی که از پل طبیعت به پایین سقوط کرده بود به علت شدت جراحت جان باخت.
به گزارش خبرنگار ما، این حادثه ساعت ۲۲:۴۰ پنج‌شنبه‌نیمه آذرماه اتفاق افتاد. شش‌حادثه به مأموران کلانتری ۱۰۳ گاندی خبر رسید که پسری بر اثر سقوط از روی پل طبیعت دچار جراحت شده و به بیمارستان فیروز کر منتقل شده‌است. بعداز تأیید خبر قاضی منافی آذر، باز پرس ویژه قتل در محل حاضر شد.

بررسی ها حکایت از این داشت که پسر ۲۷ساله پس از سقوط از روی پل طبیعت در مسیر شمال به جنوب بزگرگاه شهید مدرس دچار جراحت شده و بعداز انتقال به بیمارستان فوت شده‌است. به دستور بازپرس جسد به پزشکی قانونی منتقل‌شده تحقیقات برای بررسی علت حادثه در جریان است.

کشف محموله تر باک از نیشان آبی

فرمانده انتظامی استان البرز از کشف ۸۹ کیلوگرم مواد مخدر و دستگیری دو قاچاقچی خبر داد.
به گزارش خبرنگار ما، سردار عباسعلی محمدیان توضیح داد: چند روز قبل به مأموران پلیس کرچ خبر رسید که دو قاچاقچی مواد مخدر قصد انتقال یک محموله مواد از شرق کشور به استان البرز را دارند. وی ادامه داد: مأموران پلیس کرچ در جریان تحقیقات خود خودروی سوداگران مرگ را که دو خودروی پژوی نفره‌ای و نیسان آبی یخچال دار بود شناسایی کردند. سردار محمدیان گفت: مأموران پلیس خودروهای متهمان را در محور گرمدره متوقف و متهمان را دستگیر کردند. در بازرسی از خودرو نیسان یخچال دار ۸۹۰ کیلو گرم مواد مخدر از نوع تریاک در ۸۹ بسته کشف شد.

گاز گرفتگی ۳ زن زلزله زده در چادر

سن زن که از بیم وقوع زلزله در هجدک کرمان در چادر پناه گرفته بودند به علت گاز گرفتگی باذغال دچار مسمومیت شده و به بیمارستان منتقل شدند این حادثه ساعت ۳:۵۳ صبح دیروز به امدادگران اورژانس گزارش شد. امدادگران بعد از حضور در محل متوجه شدند که این سزن که ۱۷ تا ۲۸ساله بودند برای گرم کردن فضای چادر خود از ذغال استفاده کردند که موجب مسمومیت آنها با گاز موناکسید کربن شده‌است. محمد صابری، مدیر مرکز فوریت‌های پزشکی کرمان گفت: مصدومان حادثه به بیمارستان افضل‌ی پور کرمان منتقل شدند و خوشبختانه حال عمومی آنها مساعد است.

تکرار سرقت خودرو با کودک

سارق خودرو در شهر یزد وقتی متوجه شد که کودک خرمدسال در صندوق عقب خوابیده، کودک را کنار خیابان رها کرده و با سرسقت خودرو از محل متواری شد.
به گزارش «میزان»، این حادثه ساعت ۱۱:۳۰ روز جمعه در بند توافقی افتاد. زن جوان در تماس با پلیس از سرقت خودروی خود در حالی که کودک سه‌ساله‌اش داخل آن بود، خبر داد. با توجه به حساسیت موضوع باافاصله تیم‌های پلیس تحقیقات خود را آغاز کردند، اما دقایقی بعد زن جوان در تماس با پلیس مدعی شد که سارق کودک را در کنار خیابان رها کرده و با خودرو متواری شده‌است.

با حضور اکیس پلیس آگاهی در محل رها کردن کودک، این زن به مأموران گفت: دقایقی قبل به همراه پسر شش‌ساله و دختر سه‌ساله‌ام برای خرید از خانه با خودروی پژو ۴۰۵ خارج شدیم. نزدیک محل سکونت قصد داشتیم از دکه روزنامه فروشی مجله بخرم، پسرم از خودرو پیاده شد و همراه من آمد، اما دختر سه‌ساله‌ام داخل آن بود. خبر داد. به همین دلیل او را داخل ماشین گذاشتم.

این زن ادامه داد، یک لحظه به خودم آمدم مردی را پشت فرمان خودرو دیدم، شو که شده بودم که این دزد، خودرو را به همراه دخترم که داخل آن بود به سرقت برد. با کمک یک تاکسی به تعقیب دزد پرداختم که پس از چند دقیقه او دختر سه‌ساله‌ام را از خودرو پیاده کرده و متواری شد. تا این‌تای اسوه سه‌ساله دزد را تعقیب کردم، اما او نتوانست فرار کند. همزمان با طرح شکایت تحقیقات برای دستگیری سارق در جریان است. اولین کودک‌ریایی باسرت خودرو ۲۹ تیرماه اتفاق افتاد. کودک هشت‌ماهه‌ای به نام بنیتا همراه خودروی پدرش ربه‌ود و چندی بعد جسد بی جانش در داخل خودرو کشف شد. پس آن دو بار دیگر در تهران سارقان خودرو را با کودک ربودند، اما باافاصله کودک را از خودرو پیاده کرده بودند.

پسر نوجوانی که پس از برگزاری مراسم جشن تولد، دوستش را به قتل رسانده بود، یار دیگر به میز محاکمه بازگشت.
به گزارش خبرنگار ما، دوم اردیبهشت‌ماه سال ۹۳ بود که مأموران پلیس تهران هنگام گشت‌زنی حوالی خیابان پیروزی به خودروی مشکوک شدند که راننده و سرنشین آن دو پسر نوجوان بودند به خاطر همین به راننده فرمان ایست داده و خودرو را متوقف کردند. مأموران بعداز بررسی خودرو با جسدی مواجه شدند که داخل کیسه خوابی در صندوق عقب خودرو پنهان شده بود.

همزمان با بازداشت متهمان جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. یکی از دو متهم بازداشت شده که پسری ۱۷ساله به نام احسان بود در بازجویی‌ها گفت: «سه سال قبل مقتول در جشن تولد دوست مشترک‌مان به من تعرض کرده بود و به همین دلیل در صدماتم بودم که مرگم قتل‌شدم.» متهم در شرح ماجرا گفت: «۱۴ساله بودم که همراه سیاوش به جشن تولد مهران دعوت شدیم. در آن مراسم مشروب سرو می‌شد و من در خوردن آن زیادروی کردم و هوش رفتم. در آن حالت خیلی متوجه اطرافم نبودم، اما حادته سیاوش تماس گرفت و خواست او را ببینم. باهم در پارک قرار گذاشتم، وقتی به محل قرار رتم بعد از کمی دوستانم گفته بود که مرا از داده به همین دلیل پیش

دوستانم آروبی برابم نمانده بود، او دست برد نرود و با تعریف‌های او همه بچه‌های محل مرا تحقیر می کردند. به همین دلیل به افسردگی مبتلاشدم و خیلی از خانه بیرون نمی‌رفتم چون دوست نداشتم کسی را ببینم. آنجا بود که مشروب سرو می‌شد و من در خوردن آن زیادروی کردم و هوش رفتم. در آن حالت خیلی متوجه اطرافم نبودم، اما حادته سیاوش تماس گرفت و خواست او را ببینم. باهم در پارک قرار گذاشتم، وقتی به محل قرار رتم بعد از کمی دوستانم گفته بود که مرا از داشته و دور گردنش



پیچیدم، او روی زمین افتاد و بیهوش شد. از ترس اینکه به هوش نیاید و در گیر بشویم، دو عدد تسهه را دور گردنش پیچیدم آنجا بود که نفسش قطع شد.» متهم در خصوص حمل جسد نیز گفت: «بعد از آنکه مقتول از نفس افتاد جسد را پشت شمشادها مخفی کردم و به خانه رفتم. موضوع را برای پدرم تعریف کردم و از او کمک خواستم. وقتی فهمیدم پدرم قصد دارد با پلیس تماس بگیرد، از خانه بیرون رفتم و سراغ دوستم مهران رفتم. او زهه بلاهایی

متهم: از مقتول کینه داشتم

که مقتول به سرم آورده بود باخبر بود به همین دلیل قبول کرد مراد حمل جزاه کمک کند. باهم به پارک رفتیم و جسد را در کیسه خواب گذاشتم تا از شهر خارج شویم که پلیس ما را دستگیر کرد.»

با اقرارهای متهم، پرونده کامل و به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه محاکمه اولیای دم در خواست قصاص کردند. سپس متهم بار دیگر ماجرا را شرح داد. در پایان هیئت قضایی با توجه پرداخت دیه و حبس محکوم کرد.
این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد، اما با اعتراض اولیای دم از سوی قضات یکی از شعبات آن‌فرض و به شعبه همعرض فرستاده شد. به این ترتیب متهم صبح دیروز، بار دیگر در شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران ای میز محاکمه قرار گرفت. بعداز اعلام رسمیت جلسه اولیای دم بار دیگر در خواست قصاص کردند و گفتند به هیچ قیمت حاضر به گذشت نیستند. سپس متهم در جایگاه با شرح دوباره حادثه در آخرین دفاعش گفت: «پاور کشید آن زمان نمی دانستم مجازات قتل اعدام است. در کاوون بود که متوجه این موضوع شدم و حلاله شدت پشیمانم. از قضات دادگاه تقاضا دارم به خاطر اشتباه بزرگی که در تکم بشد مرا ببخشند.» در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

شاکي: همسر م‌ی خواست تلافی کند

زالی قرار گرفت. ابتدای جلسه شاکي با طرح دوباره شکایتش گفت: «همسر م روغ می گوید. تا به حال لب به مواد ندهام. من کارمند فرودگاه هستم و کارم به صورت شیفتی است. بنا به شغلم هر دوره را از ما زمایش می گیرند، بنابراین اگر تا به حال اعتماد ثابت شده بود آنها مرا اخراج کرده بودند. چطور حالا همسر م مدعی است من متعادم و چندساله است که مواد مصرف می کنم!» از او شکایت دارم و حاضر به گذشت نیستم. سپس مدیر کمپ به اتهام اخفای شاکي با انکار جرمش در دفاع از خود گفت: «من شاکي را نمی شناختم. روزی همسرش تماس گرفت و از من کمک خواست. او گفت من تهایی است و کسی را ندارد او را کمک کند و همین دلیل دم سوخت و تصمیم گرفتم او را کمک کنم.»

در ادامه همسر شاکي در جایگاه ایستاد و با انکار جرمش گفت: «پاور کشید شوهرم به مواد مخدر اعتماد داشت و من اشتباه نکردم. بارها خواستم او را کمک کنم، اما حرفیش نشدم. دخترم نیز در دادسرا به اعتماد پدرش قرار کرده بود، اما شوهرم او را ترسانه و گفت اگر شهادت دهد نشانهای را قطع می کند او هم مجبور شد در همان دفتر شکایتش را پس بگیرد.»

سپس شاکي در پاسخ به سؤال هیئت قضایی مبنی بر اینکه هنگام بستری باید فرم از نسوی پدر و مادر همسران ته می شد چنین اظهار مطلع نکردید، گفت: «پدر محسن قبلاً به صورت شفاهی اجازه این کار را داده بود. من هم ۲۰ سال با شوهرم زندگی کرده بودم و می خواستم مشکل زندگی ام را خودم حل کنم. صلاح را بدیدم خودم فرم‌ها را پر کنم، و با امضای خودم شوهرم را بستری کنم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.



او مأموراتش را مقابل خانامه بفرستد تا شوهرم را با خودشان به کمپ ببرند.» همسران نیز با پرداختن جزئیات دادخواست، بارها با او صحبت کردم، اما در ترک مواد اراده قوی نداشت و نمی توانست مواد را کنار بگذارد. آنجا بود که تصمیم گرفتم او را به کمپ بستری کنم، اما به تهایی حرفیش نشدم. تهران فرستاده شد و مدیر کمپیی حوالی تهران صحبت کردم و قرار شد روز گذشته وی میز هیئت قضایی به ریاست قاضی

انفجار گاز ۳ خانه را تخریب کرد



موسوی با بیان اینکه حادثه فوق تلفات جانی نداشت، گفت: تعداد مصدومان این حادثه سه نفر بود، که یک نفر در اثر این انفجار دچار سوختگی، یک نفر به دلیل ریختن شیشه‌های شکسته روی وی دچار مصدومیت شد و نفر دیگر نیز دچار شوک شده توان حرکت نداشت، که هر سه مصدوم توسط عوامل اورژانس به مراکز درمانی منتقل شدند. سیدرضا موسوی، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی رباط کریم گفت: براساس بررسی‌های انجام شده، نشت گاز علت وقوع این انفجار بود که خوشبختانه تلفات و خسارت جانی نداشت است.

حوالت

سرورس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

قتل مرد گچ کار با ضربات میلوگرد

دو پسر جوان که به اتهام قتل مرد گچ کار تحت تعقیب پلیس همدان بودند، بازداشت شدند.
سوم آذرماه بود که به مأموران پلیس همدان خبر رسید مرد جوانی از خانه‌اش خارج شده و دیگر برنگشته است.

بررسی‌های حکایت از این داشت که مرد ۲۱ساله گچ کار ساختمان است و مثل همیشه با خودروی پرایدش برای رفتن به سر کار، خانه را ترک کرده‌است. در حالی که بررسی‌ها در این باره جریان داشت دو روز قبل به مأموران پلیس خبر رسید که جسد متلاشی شده‌است. بررسی‌های حوالی یکی از روستاهای شهر کشف شده‌است. با حضوی تیم جنایی معلوم شد که چندروز از مرگ مرد جوان گذشته و جسد متلاشی شده‌است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی و بررسی اوراق هویتی که همراه جسد بود مشخص شد که جسد متعلق به همان مرد گچ کار است که گم شدن او به پلیس گزارش شده بود. گزارش پزشکی قانونی هم نشان داد که مقتول با اصابت جسم سخت به سرش کشته شده‌است.

با شناسایی هویت مقتول، پرونده بسا موضوع قتل عمد تشکیل و در تحقیقات بعدی پلیس معلوم شد که مرد گچ کار آخرین بار برای بازدید از ساختمان مسکونی‌اش دو پسر جوان حوالی روستا قرار ملاقات داشته‌است.

بعد از به دست آمدن این سرخ بود که کارا آگاهان دو پسر ۱۹ساله را به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار داده و آنها را بازداشت کردند. دو متهم در اولین بازجویی‌ها به قتل اعتراف کردند. یکی از آنها گفت: از مدتی قبل به خاطر موضوعی شخصی با مرد جوان اختلاف پیدا کردیم. روز حادثه به بهانه گچ‌کاری اتاقی در روستا او را به محل کشاندم. وقتی او وارد شد با میلوگرد به وی حمله کرده و او را به قتل رساندیم. سپس جسد را با خودروی مقتول به حوالی روستا منتقل کرده و در محلی خلوت رها کردیم. همچنین خودروی مقتول را هم در حاشیه روستا رها کرده و به خانه رفیقیم تا اینکه بازداشت شدیم.

سرهنگ رضا زارعی، رئیس پلیس آگاهی استان همدان گفت: با شناسی‌هایی که دو متهم در اختیار پلیس گذاشتند خودروی مقتول هم کشف شد. وی گفت: تحقیقات پلیس در این باره جریان دارد.

فرجام خوین اختلاف ۲ خانواده

اختلاف دو خانواده در یکی از روستاهای سرپل ذهاب به قتل منجر شد.
سرهنگ محمدرضا امویی، معاون اجتماعی پلیس کرمانشاه توضیح داد: به دنبال حادثه تیراندازی در یکی از روستاهای سرپل ذهاب مأموران پلیس در محل حاضر شدند. بررسی‌ها حکایت از این داشت که در جریان اختلاف دو خانواده آنها اقدام به تیراندازی با سلاح شکاری کرده‌اند. در جریان آن دو نفر از طرف‌های درگیر مجروح و به بیمارستان منتقل شده‌اند. همچنین معلوم شد که یکی از مجروحان حادثه به علت شدت جراحت کشته شده‌است. معاون اجتماعی فرمانده انتظامی استان کرمانشاه گفت: عاملان حادثه دستگیر شدند و تحقیقات در این باره جریان دارد.

وی ادامه داد: شایعات مطرح شده در فضای مجازی مبنی بر اینکه قتل به دلیل اختلاف بر سر کانکس‌های اهدایی به زلزله‌زدگان بوده‌است، صحت ندارد.

ازدواج بدون اجازه پدر

ازدواج دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد، بستگی به اجازه پدر یا جد پدری او دارد و هر گاه پدر یا جد پدری بدون علم موچه تا دادن اجازه مضایقه کنند، اجازه آنها باطلست و در این صورت دختری می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج کند و شرایط ازدواج و مهری که بین آنها قرار داده‌شده، پس از گرفتن اجازه از دادگاه مدنی خاص، به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام کند. سن بلوغ برای ازدواج برای دختران ۱۵ سال تمام و برای پسران ۱۸ سال تمام قرار داده شده‌است.

در بعضی موارد، پدر صلاحیت اجازه دادن برای ازدواج دختر را از دست می‌دهد و آن زمانی است که ولی یا سرپرست، یکی از شرایط زیر را داشته‌باشد: غایب‌باشد یا دیوانه باشد یا اینکه سفیه باشد. یعنی مانند فردی باشد که مال خود را در کارهای مایه‌پوده صرف کند و نتواند در موارد مالی عاقلانه رفتار کند یا اینکه خودش تحت قیمومیت افراد دیگری باشد. در این صورت اجازه او لازم نیست و دختر حق دارد آزادانه ازدواج کند. علاوه بر این زمانی که ولی دختر زنده و سالم باشد، اما به دلایلی دسترسی به او امکان پذیر نباشد، در اینصورت یا اینکه با انجام تشریفات مقدماتی در خواست مزبور یک نوبت آگاهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه‌ای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آگاهی طرف مدت یکماه به این دادگاه تقدیم‌رود والا گواهی صادر خواهد شد. م.الف: ۲۸۲۸

میشم عودی – مسئول دفتر شعبه شورای حل اختلاف شعبه ۹ مجتمع شماره ۳ شهرداری همدان
شهرستان زاهدان خواجهان رونوشت حصر وراثت مهدیه سلمانای نژاد فرزند گواهی دارای شناسنامه شماره ۳۶۱۱۲۵۸۶۱ صادره از زاهدان به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۶۰۹۹۸۵۵۰۰۹۰۵۲۳ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عصمت در یواش به شناسنامه ۱۶۸۰ در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۹ در اقامتگاه دائمی خود بدردود حیات گشته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به :
۱- خواجهان یا مشخصات سجلی فوق فرزند متوفی.
۲- سعید سلمانی نژاد به شماره شناسنامه ۸۶۰ صادره از زاهدان: فرزند متوفی
۳- مجید سلمانی نژاد به شماره شناسنامه ۳۹۷۴ صادره از زاهدان، فرزند متوفی
۴- امید سلمانی نژاد به شناسنامه: ۳۶۱۱۲۵۸۲۴۳ صادره از زاهدان فرزند متوفی
۵- ملیحه ذاکری به شماره شناسنامه ۱۵۳۱۵ صادره از زاهدان فرزند متوفی.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی در خواست مزبور یک نوبت آگاهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه‌ای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آگاهی طرف مدت یکماه به این دادگاه تقدیم‌رود والا گواهی صادر خواهد شد. م.الف: ۲۸۲۸

میشم عودی – مسئول دفتر شعبه شورای حل اختلاف شعبه ۹ مجتمع شماره ۳ شهرداری همدان
شهرستان زاهدان

آگاهی رونوشت حصر وراثت

خواجهان رونوشت حصر وراثت غلام حسین میری گوری فرزند حسن دارای شناسنامه شماره ۵۳۲۸۹۲۰۷۲۲ به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۶۰۹۹۸۵۵۰۰۲۰۰۱۵۹ اصلی و ۹۶۰۹۹۸۵۵۰۰۲۰۰۱۵۹ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حسین میر روشناوندی فرزند محمدعلی بنشناسنامه ۲۰۶۳ در تاریخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۶ در اقامتگاه دائمی خود بدردود حیات گشته و ورثه این الفوت آن مرحوم منحصراست به :
۱- زهرا از موده فرزند به شماره ملی ۵۶۳۹۴۵۱۲۷۰ صادره از نهبندان: همسر متوفی
۲- غلامحسین میری گوری فرزند حسن بنشناسنامه ۲۲۶۵ صادره از زابل: عموئی متوفی و لاغیر. اینک با انجام تشریفات مقدماتی در خواست مزبور یک نوبت آگاهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه‌ای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آگاهی طرف مدت یکماه به این شورا تقدیم‌رود والا گواهی صادر خواهد شد. م.الف: ۲۸۴۸

بشیر احمد موحد – قاضی شورای حل اختلاف شماره یک زاهدان

سازمان آگاهی‌های

روزنامه جوان تلفنی آگاهی می‌پذیرد ۸۸۴۹۸۴۷۳

آگاهی مفقودی

کارت دانشجویی اینچانب، سمیرا نجفی دانشجوی رشته کارشناسی ارشد مخاطرات آب و هوایی از دانشکده جغرافیا و برنامه ریزی محیطی به شماره دانشجویی ۹۵۱۵۰۸۴ دانشگاه سیستان و بلوچستان مفقود گردیده و بدینوسیله از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.